



در اعتكاف چه از خدا بخواهيم ؟

در شرايط كنوني جهان، مخصوصاً خاورميانه چشمش به نظام اسلامي ايران دوخته است اينجاست كه به قرآن و عترت در كنار هم معتقد است ...

آيت الله جوادى آملی

در شرايط كنوني جهان، مخصوصاً خاورميانه چشمش به نظام اسلامي ايران دوخته است اينجاست كه به قرآن و عترت در كنار هم معتقد است و مي يابد و عمل مي كند اينجاست كه با اخلاص توانسته است جنگ ده ساله را نه هشت ساله، جنگ دو ساله داخلي و هشت ساله خارجي را تحمل كند اينجاست كه عملاً نشان داد كمٌ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ عَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً [1] اينجاست كه وعده انجام شده الهي را به جهان نشان داد و نشان مي دهد. از اين امّ القراي ديني متوقع است كه فكر جهاني بكنند معتكفان عزيز بدانند كه براي خداي سبحان هيچ فرقي نيست كه حاجت زيد را برآورده كند يا حاجت جهان را. يك بحث کوتاهي در اين زمينه ارائه بشود تا وارد بحث اصلي بشويم تا روشن بشود ما از خدا چه بخواهيم و چقدر بخواهيم.

مستحضريد كه قدرت ذات اقدس الهي نامتناهي است اين اصل اول با اراده كار مي كند «فاعلٌ لا بمعني الحركات [2];« نه با اعضا و جوارح اصل دوم، اگر قدرتي نامتناهي بود و با اراده كار كرد فرقي بين قليل و كثير نيست اصل سوم، شما الآن با اراده و تصور يك قطره آب را تصور مي كنيد يك اقيانوس را هم تصور مي كنيد اين طور نيست كه تصور يك قطره براي شما آسان باشد و تصور يك اقيانوس براي شما سخت باشد هر دو آسان است ذات اقدس الهي دو نمونه در قرآن كريم ذكر مي كند يكي آسان ترين كارهاي جهان است يكي سخت ترين كارهاي جهان مي فرمايد هر دو براي خدا آسان است آسان ترين كار كشيدن سايه شاخص است وقتي شما چراغ را برگردانيد اين سايه شاخص گرفته مي شود سايه وجودي ندارد كه قبض و بسطش دشوار باشد گسترش آن يا كاهش آن فرق بكند گرفتن سايه شاخص سخت نيست فرمود: ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا [3] يعني سهلاً نه تدريجاً و آنچه از هر كاري مهم تر است جهان را به هم زدن و جهان را دوباره ساختن است كاري از اين دشوارتر فرض نمي شود كه مجموعه نظام كيهاني به هم زده شود و دوباره بازسازي شود و اولين و آخرين كه رخت بربسته اند همه زنده شوند از اين كار دشوارتر فرض نمي شود.

فرمود: يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ [4] يعني «تبدّل السماوات غير السماوات« يعني مجموعه نظام سپهري رخت برمي بندد (اين يك)، إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ * لَمَجْمُوعُونَ إِلَيَّ مِيقَاتٍ يَوْمَ مَعْلُومٍ [5] همه را ما دوباره زنده مي كنيم (اين دو)، فرمود: ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ [6] اين حشر اكبر براي ما آسان است اين يَسِيرٌ همان طور كه در ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا به كار رفت اينجا هم به كار مي رود كشيدن يك سايه شاخص براي خدا همانند بازسازي كلّ جهان است اين خداست خب اگر همه كارها براي ذات اقدس الهي سهل است چرا حاجت جهاني را نخواهيم اكنون كه شما معتكفان به لطف الهي اين توفيق را در سراسر ايران اسلامي داشته و داريد مخصوصاً جوانها همّتتان بلند باشد خداي سبحان در انجام وعده در قضاي حاجت فرقي بين قليل و كثير نمي گذارد از يك سو، از طرفي ما پرورده اهل بيتيم آنها ما را به همّت والا فرا خواندند.

وجود مبارك پيامبر اكرم (عليه و علي آله آلاف التحية و الثناء) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَوَادٌ يُحِبُّ الْجُودَ وَ مَعَالِي الْأُمُورِ وَ يَكْرَهُ سَفْسَافَهَا [7];« خدا همتهاي بلند را دوست دارد نه تنها با آن درگير نيست يا مزاحمت نمي كند يا منع نمي كند همّت بلند را دوست دارد همّت نازل محبوب خدا نيست شما اگر بگوييد خدايا ما را بيمارز يك حد محبوبيّت است خدايا همه ايرانيها را بيمارز يك حد است همه شيعةان جهان را بيمارز يك حد است همه مسلمين بيدار شده خاورميانه را به مقصد برسان يك حد است همه ناآگاهان را آگاه كن يك حد است براي خدا فرق نمي كند دعاهايتان را توسعه بدهيد خواسته هايتان را توسعه بدهيد اين ذوات قدسي اين دعاها را به ذات اقدس الهي عرضه مي كنند و خداي سبحان مي پذيرد.

در جريان اعتكاف مستحضريد كه ذات اقدس الهي راههاي فراواني گذاشته كه ما آن كدّح دشوار را از درون شروع بكنيم اين معنا براي

همه ما عقده است که در قرآن کریم فرمود: يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ [8] تو سالکی، کادحی به طرف خدا می‌روی با تلاش و کوشش می‌روی تا خدا را ملاقات کنی آیا - معاذ الله - خدا در برزخ است در ساهره قیامت است در بهشت است یا «اقرب إلینا من حبل الوريد« اگر «اقرب إلینا من حبل الوريد« این کدح کجاست؟

ما زمینی سفر کنیم زمانی سفر کنیم کجا برویم که او را ببینیم اگر او «اقرب إلینا من حبل الوريد« یعنی تمام تلاش و کوشش ما این باشد که این حجابها را برطرف بکنیم این غبارها را و به تعبیر آیه قرآن کریم کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَيَّ قُلُوبُهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ [10] را برطرف کنیم این رین را این غبار را این چرک را برطرف کنیم تا بیدار بشویم و ببینیم آن چشمی که در سوره حج فرمود برخیز چشم دلشان کور است را با جراحی بینا کنیم بیدار کنیم لا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ [11] اگر آن چشم دل باز باشد ما می‌بینیم اگر عده‌ای در دنیا در ظرف خودشان و به اندازه خودشان خدا را مشاهده نکردند برای همان رینی است که گرفتار آن شدند این دعاها این عبادتها این اعتکافها سهم تعیین‌کننده‌ای در شستشوی این صحنه دل دارد اگر این رین‌ها برطرف بشود انسان به مقدار خود خدا را می‌شناسد وقتی شناخت راحت است .

بارها این حدیث به عرضتان رسید که مرحوم صدوق (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب شریف توحید از وجود مبارک امام صادق (سلام الله علیه) نقل می‌کند که انسان می‌تواند به لقاء الله بار یابد ابوبصیر کور به حضرت عرض کرد آیا خدا را در قیامت می‌توان دید؟ فرمود قبل از قیامت دیدند بعد لحظه‌ای تأمل کرد به ابی‌بصیر کور فرمود ابی‌بصیر مگر هم‌اکنون خدا را نمی‌بینی؟! خب اگر یک عنایت صادقی (صلوات الله و سلامه علیه) باشد آن قلب باز می‌شود انسان به مقدار خود خدا را می‌شناسد و همین شهود خداست آن‌گاه ابوبصیر کور به امام صادق عرض می‌کند من این حدیث را نقل بکنم؟ فرمود برای توده مردم نه، برای اینکه آنها متوجه نمی‌شوند مشکلاتی دارد [12] البته در جمع خواص و علما و اینها عیب ندارد لذا مرحوم صدوق همین مطلب را برای خواص در کتابش نقل کرد این جمله در متن روایت نیست که برای توده مردم نقل نکنید برای خواص نقل کنید ولی مرحوم صدوق همین را برای علما نقل کرده است.

اعتکاف نتیجه مهمی که دارد آن است که این رین‌ها این غبارها این چرک‌ها شستشو می‌شود وقتی شستشو شد انسان خالق خود را می‌شناسد به مقداری که مقدور اوست، آن مقداری که مقدور ماست از درون بتوانیم خدا را بشناسیم و به وظیفه‌مان عمل بکنیم با این برکات اعتکاف حل است بنابراین اعتکاف فرصتی است مجموعه چند عبادت، ویژگی اعتکاف این است که یک تلفیق مبارک و با یمن و برکت است ما یک نماز داریم که از آن به عنوان ستون دین تعبیر شده است و چون کتاب، کتاب حکیم است و القرآن الحکیم [13] و دین، دین حکمت و عقل است هیچ جای قرآن یا روایات نیامده که شما نماز بخوانید برای اینکه دین، قرآن، روایات نماز را به عنوان ستون دین معرفی کردند (یک) ستون را که کسی نمی‌خواند ستون را اقامه می‌کند (دو) باید حرف‌ها هماهنگ باشد (سه) آن دینی که می‌گویند «الصلاة عمود الدین« [14] همان دین می‌گوید: أَقِيمُوا الصَّلَاةَ [15] اگر می‌گفت نماز ستون دین است بعد می‌گفت نماز بخوانید که این ناهماهنگ بود نماز که ستون دین است در مسئله اعتکاف حضور دارد روزه که «جَنَّةُ مِنَ النَّارِ« و سپر آتش است با همه جلال و شکوهی که دارد شرط اعتکاف است این اعتکاف چه قدرتی است که تازه روزه گرفتن شرط آن است شما می‌بینید وضو گرفتن عبادت است اما به پایگاه نماز که نمی‌رسد چون به پایگاه نماز نمی‌رسد مقدمه نماز و شرط نماز است روزه با همه جلال و شکوهی که دارد به پایگاه اعتکاف نمی‌رسد وگرنه شرط اعتکاف نبود خب اینکه گفته شد «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَيَّ خَمْسٍ« نماز است روزه است زکات است حج است ولایت است [16] بخش وسیعی از این مبانی پنج‌گانه را شما در اعتکاف می‌بینید نماز را که می‌بینید روزه که با آن جلال و شکوه وصف شده است و یکی از مبانی خمس اسلام است تازه شرط اعتکاف است بخش وسیعی از اعمال احرام حج و عمره که وصف مَحْرَمَانِ حج و عمره است در اعتکاف هست آثار حج را شما در اعتکاف می‌بینید آثار ولایت که مشهود در اعتکاف است یک عبادت تلفیقی مرکب از نماز و روزه و حج و اینها را می‌بینید غالباً فتوا دادند در حال اعتکاف خرید و فروش حرام است همان طوری که درباره نماز جمعه گفته شد إِذَا تَوَدَّيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَيَّ ذِكْرَ اللَّهِ [17] خب خرید و فروش که حرام است شَمَّ طِيبٍ که حرام است لَمَسَ و مَسَّ نَسَا که حرام است فلان کار که حرام است فلان کار که حرام است شما آثار حج را می‌بینید آثار عمره را می‌بینید آثار صوم را می‌بینید آثار نماز را می‌بینید این مجموعه به علاوه جمع‌بندی آثار مَشْعَر و منا را می‌بینید شما در جریان مَشْعَر یک عبادت دارید و آن عبادت شبانه است، دیگر روز در مَشْعَر برنامه ندارید، شما در عرفات برنامه روزهانه دارید شب در عرفات برنامه ندارید وقوف در عرفات واجب نیست در بیتوته منا بالأخره شب بیتوته است نه روز، روز ذبح و قربانی است نه شب، اما شما در اعتکاف یک وحدت ملتم ملق پیچیده شبانه‌روزی دارید این چنین نیست که شبها فارغ باشید نظیر ماه مبارک رمضان درست است انسان با فرا رسیدن مغرب افطار می‌کند ولی همچنان معتکف است همه محرمات اعتکاف در حال شب هم حرام است این نظیر صوم ماه مبارک رمضان نیست که محرمات برای روز باشد شب حلال باشد چه شبش حرام چه روزش حرام این چه عبادت تلفیقی است این سه شبانه‌روز انسان مهمان چه کسی است؟

مهمان صاحب‌خانه‌ای است که این صاحب‌خانه فرمود اگر می‌خواهی به من نزدیک بشوی باید به فرشتگان من نزدیک بشوی خب اگر

کسی بخواهد قربه الي الله کار بکند باید کار الهی بکند این را فقهای بزرگ ما گفتند تا نوبت به صاحب جواهر رسید بعد از صاحب جواهر هم نوبت به مرحوم آقا سید محمد کاظم (رضوان الله علیهم) رسید این چنین نیست که این فتوای دقیق و این مطلب دقیق برای آقا سید محمد کاظم باشد مرحوم آقا سید محمد کاظم یک فقیه نامی است اما نه در این حد آنها گفتند تا به صاحب جواهر رسید صاحب جواهر فرمایشی فرمود و فرمایش صاحب جواهر در عروه سید آمده منتها مرحوم صاحب جواهر در اول کتاب صوم گفته و سید (رضوان الله علیه) در بحث صوم مستحب، فرمود در فضیلت روزه همین بس که انسان شبیه فرشته می شود. [18] این بحث، بحث فقهی نیست شما این بحثها را که در فقها ندارید خب به ما گفتند روز فرشته باش شب فرشته باش برای چه فرشته باش که چه کار بکنی؟! آیا گفتند نخور که به تو خوراکی بدهیم نیوش که به تو پوشاکی بدهیم؟! اگر حکیم سنایی گفت:

تو فرشته شوی ار جهد کنی از پی آنک *** برگ توت است که گشتست به تدریج اطلس [19]

این طلعه راه است خب حکیم سنایی حکیم است یک انسان عالم و دانشمند است فرمود شما اگر بخواهی تربیت بشوی ابزار دینی مهیاست بهترین پارچه ها و پرده های جهان طبیعت همان پرنیان است یعنی حریر این حریر را چه کسی ساخت یک کرم ابریشم، کرم ابریشم چه چیزی را حریر ساخت برگ توت را حرف حکیم سنایی این است:

تو فرشته شوی ار جهد کنی از پی آنک *** برگ توت است که گشتست به تدریج اطلس

اگر یک برگ توت تربیت بشود می شود پرنیان اگر یک انسان تربیت بشود می شود فرشته، اگر یک برگ توتی که در زباله ها می رود وقتی استاد ببیند می شود پرنیان خب حالا چرا انسان فرشته نشود شما در سوره مبارکه انبیاء وصف فرشته ها را چه می بینی؟ فرمود: **بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهُ يَعْمَلُونَ** [20] در زیارت جامعه در وصف اهل بیت (علیهم السلام) چه می بینی؟ فرمود: **171#& عبادہ المکرمین الذین لا یسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون**؛ همان است شما با ملائکه روبه رو هستید خیلی ها این زیارت جامعه را می خوانند برای ثواب بردن بله ثواب هم دارد اما باسواد شدن گناه کبیره نیست!

آدم می رود حرم مطهر رضوی برای اینکه باسواد برگردد این زیارت جامعه را برای چه می خوانند خب برای پدر و مادر که با دعاها دیگر هم می شود طلب آموزش کرد به امام عرض می کنی من از راه دور آمدم **171#& و مُحْتَمَلٌ لِّعَلْمِکُمْ**؛ شما گفتی علم ما را انبیا و اولیا و مؤمنین خالص می توانند حمل بکنند من آمدم قدری از آن علوم ببرم مگر شما نفرمودید حدیث ما صعب مستصعب است مگر نفرمودید امر ما صعب مستصعب است مگر نفرمودید علم ما صعب مستصعب است درباره همه این عناوین نفرمودید **171#& لا یَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مَّقْرَبٌ أَوْ نَبِيٌّ مَّرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُّتَحَنِّنٌ لِّلْإِيمَانِ**؛ من آمدم که آن عبد ممتحن باشم علم شما را تحمل کنم این **171#& مُحْتَمَلٌ لِّعَلْمِکُمْ**؛ جمله خبریه است که به داعی انشا القا شده چون دعا و زیارت، انشااست من آمدم باسواد بشوم برگردم خب انسان وقتی که می رود حرم وقتی که معتکف می شود چرا فقط به آن مرحله نازل بسنده کند شما چنین عبادت تلفیقی را کجا می بینید ما عبادت لیلیه داریم نظیر مشعر و بیتوته منا، عبادت نهاریه داریم نظیر موقف عرفات یا نظیر صوم اما تلفیق لیل و نهار را کجا داریم که شب و روز بسته است و یک عبادت است همان کاری که شب واجب است روز واجب است همان کاری که شب حرام است روز حرام است این اعتکاف برای آن است که انسان بتواند به درون خود سفر کند آن وقت نه بیراهه می رود نه راه کسی را می بندد آن وقت چنین انسانی اگر بگوید خدایا تو را به عصمت زهرا خاورمیانه را نجات بده این دعایش مستجاب است الآن شما می بینید بدترین و سیء ترین سیئات را در آذربایجان دارند به عنوان رژه نشان می دهند الآن اینها منتظر اعتکاف شما هستند شما دلتان می خواهد با شمشیر مشکل حل بشود هیچ وقت این طور نبود هیچ وقت با شمشیر جهان اداره نشد این بیان نورانی امام (رضوان الله علیه) که فرمود خون بر شمشیر پیروز است برای همیشه است دعا این چنین است.

روزی ابوسفیان در مسجد بود وقتی وجود مبارک رسول گرامی (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) را دید با خودش گفت **171#& لیت شعری بأی شیء غلبنی**؛ چطور شد آنها پیروز شدند ما شکست خوردیم ما سربازانمان بیشتر بود ما سواره نظام داشتیم ما مسلح داشتیم آنها پیاده نظام بودند جمعیتشان کم بود وجود مبارک حضرت از پشت رسید دست مبارک را روی دوش نحس ابوسفیان گذاشت فرمود: **171#& بالله غلبتک**؛ این الآن هست.

شما می بینید وجود مبارک امام هادی (صلوات الله و سلامه علیه) در شرایط کنونی دشمن ترین دشمن ها با او بد رفتاری کردند جزء مظلوم ترین مظلوم هاست این را شما باید با اعتکاف حل کنید با دعا حل کنید با جنگ که هرگز حل نمی شود وجود مبارک حضرت هم که ظهور کرد با عقلانیت مردم، جهان را اصلاح می کند که وضع رأس می شود حالا یا ذات اقدس الهی بلا واسطه این کار می کند یا مع الواسطه است **171#& فجمع بها عقولهم و کملت به أعلامهم**؛ آن وقت اداره کردن جهانی که همه شان عاقل اند و حضرت 313 شاگرد و صحابه ای مثل امام (رضوان الله علیه) دارد آسان است اعتکاف برای این است بنابراین اعتکاف یک عبادت تلفیقی است که این عبادت تلفیقی درون انسان را راحت می کند وقتی انسان از اعدی عدو نجات پیدا کرد شود دشمن درونی

دشمن برونی مگر چه کار می‌تواند بکند؟! در این فرصت زرّین اعتکاف انسان راه خودش را پیدا می‌کند وقتی راه خودش را پیدا کرد از چیزی نمی‌هراسد هم دین خودش را حفظ می‌کند هم دین محلی را حفظ می‌کند هم دین منطقه‌ای را حفظ می‌کند هم دین بین‌المللی را حفظ می‌کند این عبادت تلفیقی را شما می‌بینید در کمتر جایی دارید عبادتها از یک شب یا یک روز شروع می‌شود بعد به سه روز بعد به اربعین بعد به مدتی بیشتر گفتند که بهترین راه این است که شما سحرهایتان را دریابید برهان قرآن کریم هم این است که *إِنَّ تَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا* [26] جریان سحرخیزی نشئه خاص دارد برای اینکه نه مزاحم درونی هست نه مزاحم بیرون هست انسان خوابیده خستگی‌اش برطرف شده مزاحم و عوامل بیرونی هم به خواب‌اند هیچ کسی مزاحم آدم نیست *إِنَّ تَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا*

حالا روشن شد که ما مسافر درونیم نه بیرون کجا برویم آن که *171#&اقرب إلینا من حبل الوريد*; است که *مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ* [27] یعنی ما برزخ را طی کنیم برویم ساهره قیامت که - معاذ الله - خدا آنجاست یا *مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ* اگر *171#&معنا أين ما كنتا*; باید این درون خود را بشکافیم این موانع را برطرف بکنیم بگوییم *171#&عَرَفْتُ الله سبحانه بفسخ العزائم و حلّ العقود و نقض الهمم*; [28] و مانند آن. خب چه کار کنیم که این درون را بشکافیم و ذات اقدس الهی را به مقداری که مقدور خود ماست بفهمیم فرمود: *إِنَّ تَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا* سحرها را دریابید شما معتکفان به لطف الهی سحر دارید بیان نورانی امام عسکری (صلوات الله و سلامه علیه) باید کاملاً ملحوظ باشد مسافر یک زاد می‌خواهد یک راحله اگر بخواید بی‌زاد بروی سخت است با زاد بی‌راحله بروی دشوار است با زاد و راحله بروی این یَسیر است زاد را که قرآن کریم در سوره بقره مشخص کرد

فرمود: *تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى* [29] تقوا زاد است خب راحله را چه کسی گفته؟ آن که عدل قرآن است یعنی وجود مبارک امام عسکری (سلام الله علیه)، فرمود: *171#&إِنَّ الْوَصُولَ إِلَى الله عزّ و جلّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِناءِ اللَّيْلِ*; [30] مگر نمی‌خواهید به لقاء الله بروید مگر کادح الی الله نیستید می‌خواهی پیاده بروی یا سواره؟ پیاده بروی خیلی سخت است *171#&إِنَّ الْوَصُولَ إِلَى الله عزّ و جلّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِناءِ اللَّيْلِ*; امتطاء که باب افتعال است یعنی *171#&أَخَذَ الْمَطِيَّةَ*; مطیه آن مرکب راهوار را می‌گویند مگر نمی‌خواهی سواره بروی این نماز شب مرکب راهوار توست بلند شو نماز شب را بخوان سواره برو بدون امتطاء نمی‌شود این تازه برای ماهاست که به زحمت برخی از حرفهای آنها را می‌فهمیم آنها که قدری جلودرند *171#&مَتَّأْهِلِ الْبَيْتَ* [31] هستند مثل سلمان با آنها طور دیگر حرف زدند وقتی ذریح محاربی از وجود مبارک امام نقل کرد که *ثُمَّ لَيَقْضُوا تَقْتَهُمْ* [32] یعنی *171#&لقاء الامام*; عبدالله بن سنان خدمت حضرت رسید و از همین آیه سؤال کرد حضرت پاسخی دیگر داد عرض کرد ذریح محاربی از شما نقل کرد که شما این را به *171#&لقاء الامام*; تفسیر فرمودید، فرمود بله من گفتم اما *171#&و من یحتمل ما یحتمل ذریح*; [33] شما یک شاگرد بفهم بیاور من اسرار قرآن را به او می‌گویم این *171#&محتمل لعلمکم*; این بخش‌هاست وگرنه درس‌های حوزوی و دانشگاهی که فراوان است این *171#&لا یحتمله الا... عبد امتحن الله قلبه للإیمان*; این برای علوم ویژه است آن علوم ویژه از این مرحله سوم شروع می‌شود مرحله اول تحصیل زاد است که همه ما بارها می‌گوییم و می‌شنویم مرحله دوم تحصیل راحله است خب آدم زاد را برای چه می‌خواهد راحله را برای چه می‌خواهد برای اینکه به مقصد برسد شما که می‌خواهی مشهد مشرف بشوی یک کارتن غذا برایتان بس است یک کامیون غذا برای چه می‌بری شما مرتب نماز، مرتب روزه!

اینها زاد است - زاد یعنی زاد - حالا رسیدی، زاد برای اینکه به مقصد برسی، مقصد را با چه می‌شناسی مقصود را با چه می‌شناسی آن چیز دیگر می‌خواهد زاد و راحله برای این است که انسان به مقصد برسد و مقصود خود را ببیند و با او گفتگو کند از آن به بعد جایی همین دعاها ماه رجب و ماه شعبان است این دعاها ماه رجب و ماه شعبان برای کسانی است که تقوایشان به نصاب، راحله‌شان به نصاب، حالا به مقصد رسیدند با مقصودشان گفتگو می‌کنند درد و دل می‌کنند می‌گویند خدایا من اول منادات دارم از دور، نزدیک می‌آیم بعد مناجات دارم از نزدیک، بعد نوبت توست تو مناجات بکن من بشنوم این حرفها مربوط به زاد و راحله نیست *171#&لاحظته فصعق لجلالك فناجته سر*; [34] اینها مربوط به زاد و راحله نیست زاد و راحله برای این است که انسان به مقصد برسد خب رسید دیگر حالا که رسید مقصد چیست با مقصود انسان چطور باید برخورد کند این دعاها نورانی ماه رجب و ماه شعبان آن مقصد را نشان می‌دهند اینها در این سحرها پیدا می‌شود اینها در این اعتکاف‌ها پیدا می‌شود بنابراین آن کف حاجت ما مسائل شخصی است بعد قدری بالاتر مسائل محلی و منطقه‌ای و بین‌المللی نجات خاورمیانه از این انحراف اخلاقی و سیئات اخلاقی این مربوط به دنیا که - ان شاء الله - همگان به سعادت راه پیدا کنند از این بالاتر و بر فراز اینها لقای ذات اقدس الهی و اسمای الهی است، لذت اگر هست *171#&مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا*; [35] از آن به بعد است ما همه‌اش به فکر زاد و راحله نباشیم به خاطر زاد و راحله ثواب بیشتری به ما می‌دهند یعنی ممکن است به آن کسی که نماز بیشتری خوانده روزه بیشتری گرفته به جایی ده غرفه صد غرفه بدهند اما این در *جَنَّتْ تَجْرِي مِنَ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ* [36] است هرگز عند ملک مقتدر این را نمی‌برند شما

در بخش پایانی سوره مبارکه قمر چه می‌خوانید می‌گویید في مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ [37] ما هر چه بر زاد و راحله بیفزاییم یعنی بر نماز و روزه بیفزاییم این جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ را ممکن است ده برابر صد برابر هزار برابر به ما پاداش بدهند اما ما را ببرند عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ آن با درک است آن يك چیز دیگر است آن کاري به نماز و روزه‌اي که ما می‌خوانیم ندارد، بنابراین اعتکاف جاي این است که إِنَّ تَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً آن قیل أقوم آن قول أقوم با خدا گفتگو کردن مستمع خدا شدن متکلم با خدا شدن حرف او را شنیدن این بار فراوانی دارد اگر می‌بینید در کتابهای فقهی ما آمده که صائم شبیه فرشته است .

ریشه‌اش را شما در جلد هشت کافی می‌بینید خدا غریق رحمت کند مرحوم کلینی را ایشان در روضه کافی در جلد هشتم آنجا از وجود مبارك پیغمبر(علیه و علي آله آلاف التحية و الثناء) نقل می‌کرد صبح که می‌شد از شاگردان سؤال می‌کردند دیشب چه دیدی [38] می‌بینید دین چطور تربیت می‌کند ما می‌خوریم که بخوابیم، حضرت شاگردانی تربیت می‌کرد و می‌گفت کم بخورید و بخوابید و رؤیا داشته باشید .

اینها خوابیدن برای اینها کلاس بود آدم می‌شود شب و روز بخوابد؟! یعنی هیچ چیزی در خواب نفهمد؟! حضرت روزانه از شاگردان سؤال می‌کرد دیشب چه دیدی مثل اینکه يك ممتحن از شاگردانش سؤال می‌کند که دیروز در کلاس درس چه دیدی دیشب چه دیدی آنها می‌گفتند که ما چنین حالتی دیدیم به اصحاب می‌فرمود اگر بر حالات الهی‌تان مداومت داشته باشید «؛ لصافحتکم الملائكة' [؛] فرشته‌ها با شما مصافحه می‌کنند ما وقتی می‌توانیم به جایی برسیم که در آن صحنه قیامت بگویند آقای عالم «؛ قف تشفع([؛] شما تشریف نبرید تشریف داشته باشید عده‌ای را هم به همراه ببرید وقتی می‌توانیم به این مقام برسیم چرا کم بیاوریم این در اعتکاف‌ها حاصل می‌شود مخصوصاً برای نسل جوان که آماده پذیرش معارف اهل بیت هستند.